

## - نئوامپرسیونیسم

### شکل گیری نئو امپرسیونیسم

این واژه توسط فیلیکس فینیون، منتقد هنری، ابداع شد + در سال ۱۸۸۶ پس از آخرین نمایشگاه امپرسیونیست ها که به جدایی آنها از هم انجامید شکل گرفت.

نئوامپرسیونیسم از دل امپرسیونیسم بیرون می آید.

نئوامپرسیونیسم هم منبعت از امپرسیونیسم بود و هم در مقابل آن

نئوامپرسیونیسم حلقه ارتباطی امپرسیونیسم و پست امپرسیونیسم است.

عمر نئوامپرسیونیسم بسیار کوتاه بود اما تاثیر به سزایی در تفکر پست امپرسیونیست گذاشت.

### تشابه و تفاوت نئوامپرسیونیسم و امپرسیونیسم

**تشابه:** هر دو به بازنمایی نور و رنگ می پردازند.

**تفاوت:**

الف- امپرسیونیست ها اساسا به نقاشی خودجوش (خودانگیخته) می پرداختند اما نئوامپرسیونیست ها به ترکیب بندی های دقیق و اصول علمی (جنبه های مقدماتی و فنی طرح و شکل و رنگ) اهمیت می دهند.

ب- نئوامپرسیونیست ها به کارهای آتیه ای علاقمند هستند اما امپرسیونیست ها از آتلیه فراری هستند و به فضای باز اعتقاد دارند.

ج- حرکت در آثار امپرسیونیست بسیار حائز اهمیت بود اما نئوامپرسیونیست ها به حرکت توجه ای ندارد و ترجیحا سکون را می پذیرند.

### نظریه فکری و شیوه کار نئو امپرسیونیست ها

نظریه فکری نئوامپرسیونیست ها

دییویزیونیسم (تجزیه گرایی) ← است که با تکنیک پوآنتیلیسم (نقطه گرایی) انجام می شود.

دییویزیونیسم (تجزیه گرایی): توسط سینیاک تبیین و براساس اصول زیر است:

الف- تفکیک عناصر مختلف رنگ (رنگ های موضعی، رنگ های روشن، انعکاس رنگ مایه ها)

ب- انتخاب تعادل بین شکل ها و اندازه آن ها و نسبت های رنگی بر حسب قوانین تضادهای رنگی

ج- انتخاب اندازه لکه های رنگ هماهنگ با ابعاد و شکل های تابلو

د- ترکیب رنگ مایه ها در چشم

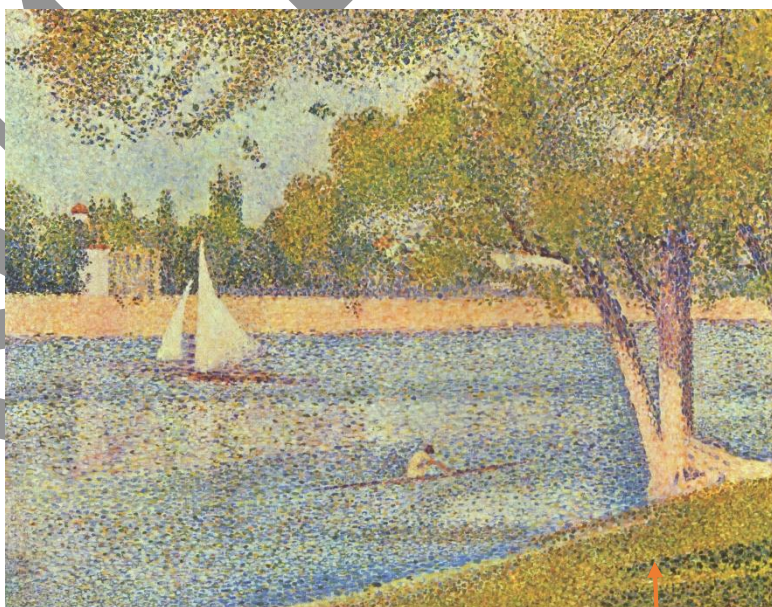
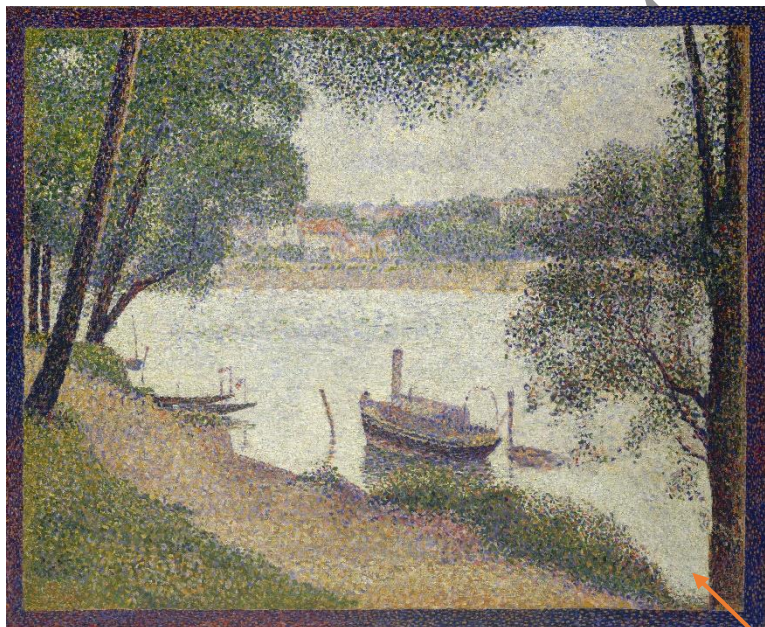
پوآنتیلیسم (نقطه گرایی): کاربرد نقطه های با رنگ خالص به نحوی که وقتی از فاصله ای مناسب مشاهده شوند دارای حداکثر

درخشندگی باشند (قرار دادن نقطه های کوچک از رنگ های خالص در کنار یکدیگر)

بنا براین در نئو امپرسیونیسم رنگ های خالص داشتیم + این رنگ ها تجزیه می شد + ترکیب آنها به چشم بیننده واگذار می گردید

معروفترین نئوامپرسیونیست ژرژ سورا بود.

بعد از ظهر یکشنبه در جزیره گراند ژات ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ + ژرژ سورا + مشهور ترین اثر + ضربه های قلم مو مشخص است + ابعاد کار دو در سه متر است + مثل امپرسیونیست ها موضوع عمق ندارد + رنگ ها خالص تجزیه شده مشهود است + ژرژ سورا زیاد عمر نکرد حدود در سی سالگی مرد.



موزه هنر های زیبا سلطنتی بلژیک - ۱۸۸۸ - ژرژ سورا

موزه هنر های زیبا فیلادلفیا آمریکا - ۱۸۸۸ - ژرژ سورا

مدل ها - فرانسه - ۱۸۸۸ - ژرژ سورا

سورا را برای خلق هر یک از این آثار ده ها بار اتد و کار رنگ و روغن انجام داده و سپس این آثار را در آتلیه به اتمام رسانده است + سورا در پنج سال آخر عمر خود بر تکنیک پوآنتالیسم متمرکز می شود + کلیه آثار او که از ۱۸۸۶ به بعد و آخرین نمایشگاه امپرسیونیست خلق می شود پوآنتالیسم است ولی آثار قبل از این سال امپرسیونیستی.

گروه انشعاب یا انشعاب گرایان گروهس از نقاشان آلمانی و اتریشی دهه ۱۸۹۰ هستند + که از سنت های ارائه اثر نقاشی منطبق بر سنت و عرف آکادمی ها و فرهنگستان هنر فرانسه جدا شدند + به آنها انشعاب گرایان می گویند چون برای این کار به فرهنگستان هنر رسماً نامه زده و جدا شدند + آنها در نامه خود فرهنگستان و آکادمی های هنری را به محدود سازی و قرارداد سازی در ارائه اثر هنری متهم نمودند + این گروه با برپایی نمایشگاه هایی مستقل، آثار خود را ارائه می دادند.

### گروه های انشعاب یا سکشنیسم

سه گروه می باشند

ج- انشعاب برلین (۱۸۹۸)

ب- انشعاب وین (۱۸۹۷)

الف- انشعاب مونیخ (۱۸۹۲)

برجسته ترین آثار توسط انشعاب وین خلق شد + نامه رسمی و بیان اصول تئوری این مکتب توسط انشعاب برلین رقم زده شد.

انشعاب مونیخ از بحث های هنری در داخل این شهر آغاز شد + نسبت به سه انشعاب دیگر کوچک تر بود + نقاشان امپرسیونیست هم از آنها استقبال کردند + موضوعات آنها طبیعت گرایانه بود + این انشعاب خیلی ارتباطات قوی با سایر هنرمندان ایجاد نکرد و خیلی جدی نشد.

این مکتب در نهایت در سال ۱۹۱۰ به دلیل اختلاف بین اعضا به مکتب انشعاب نوین منجر شد + و در نهایت در ۱۹۱۳ در برابر موج اکسپرسیونیسم فروپاشیده و از بین رفت.

انشعاب برلین کاملاً تحت تاثیر تفکر امپرسیونیسم و سپس پست امپرسیونیسم بود.

### انشعاب وین (۱۸۹۷)

توسط گوستاو کلیمت + پل ارتباطی زیبایی شناسی گرای (استتیسیسم) و عصر مدرن (نیمه اول قرن بیست) + بعد ها به دو گروه تقسیم شد + الف: آنهایی که تمایل به کارهای تجاری داشتند و ب: آنهایی که به اصول تجاری تمایل نداشتند.

### اصول مکتب نقاشان سکشنیسم

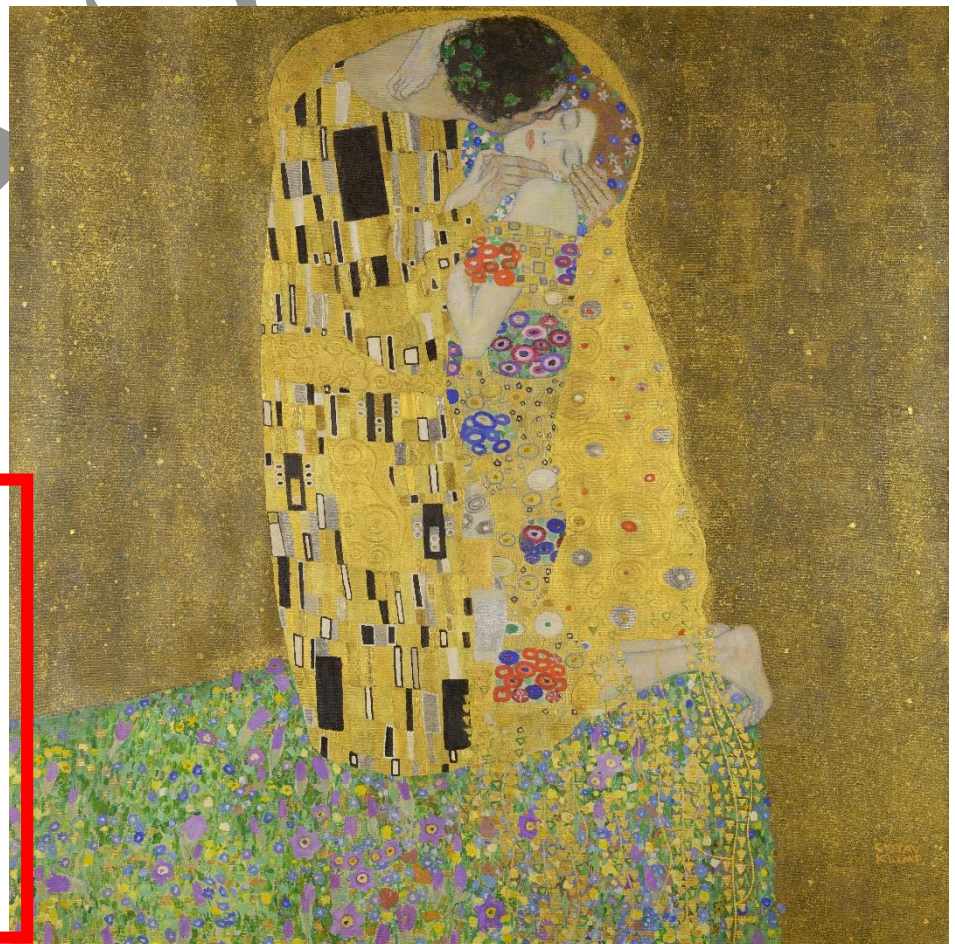
الف- استفاده از سطوح تزئین

ب- سطوح تخت

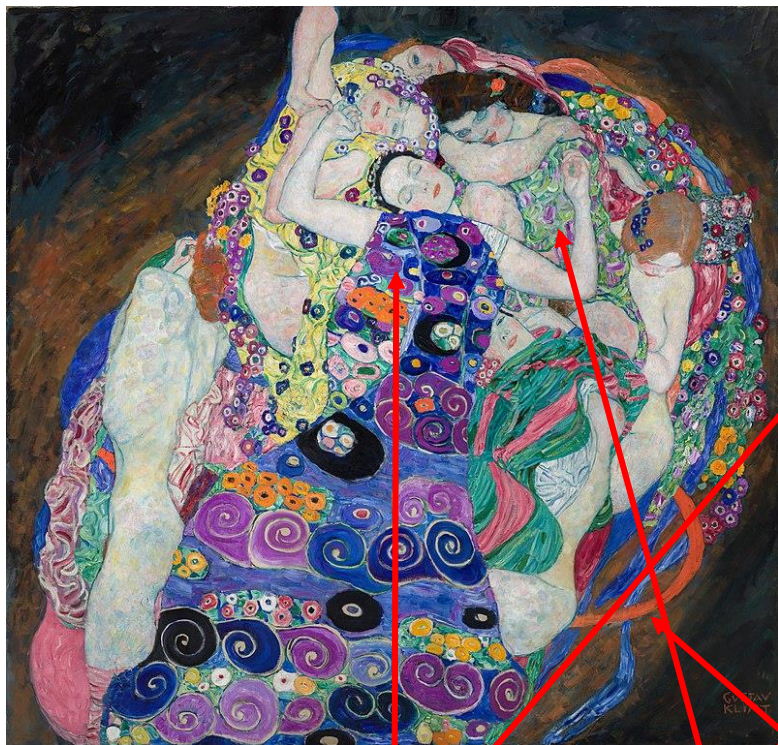
ج- ایجاد وضعیت مبهم احساسی

د- پیچیدگی آئینی

ه- تداعی گری حالات



بوسه + ۱۹۰۷-۸ + گوستاو کلیمت + خلوص رنگ (امپرسیونیست) + رنگ تزئینی (طلایی) + بر روی فرش از گل (سبکی تزئینی) + عمل بوسه (ایجاد وضع حسی - به چهره زن دقت شود) + زانو زدن زن پیش پای مرد (اشاره به آیین اهدا و پیشکش کردن) + استفاده از تزئینات تخت (برگرفته از کاشیکاری های ریز ایرانی - در لباس هر دو)



دوشیزه - ۱۹۱۳ - گوستاو کلیمت - موزه ملی پراگ

امید - ۱۹۰۷-۸ - گوستاو کلیمت - موزه هنر مدرن آمریکا

رنگ و سبک تزئینی + سطوح تخت تزئینی + ایجاد حالات حسی + تداعی حالت نیایش یا حالت خوابیدن

آستتیسیم (زیبایی شناسی گرایان)

زیبایی شناسی گرایشی در ادبیات در بیست سال انتهای قرن نوزدهم بود + سردمداران این جنبش اسکارواید و بوریس کارل هویسمانز بودند + این گرایش در بین هنرمندان نیز مورد توجه قرار گرفت + این هنرمندان می خواستند هنر را از اخلاقیات، سیاست و اهداف اجتماعی جدا کنند.

سمبولیسم (نمادگرایی) از دل زیبایی شناسی گرای بیرون آمد.

این گرایش و مکتب به مرور زمان در انتهای قرن نوزدهم فراگیر شد و با امپرسیونیسم در تضاد و تقابل نبود.

خصوصیات و ویژگی های آستتیسیم

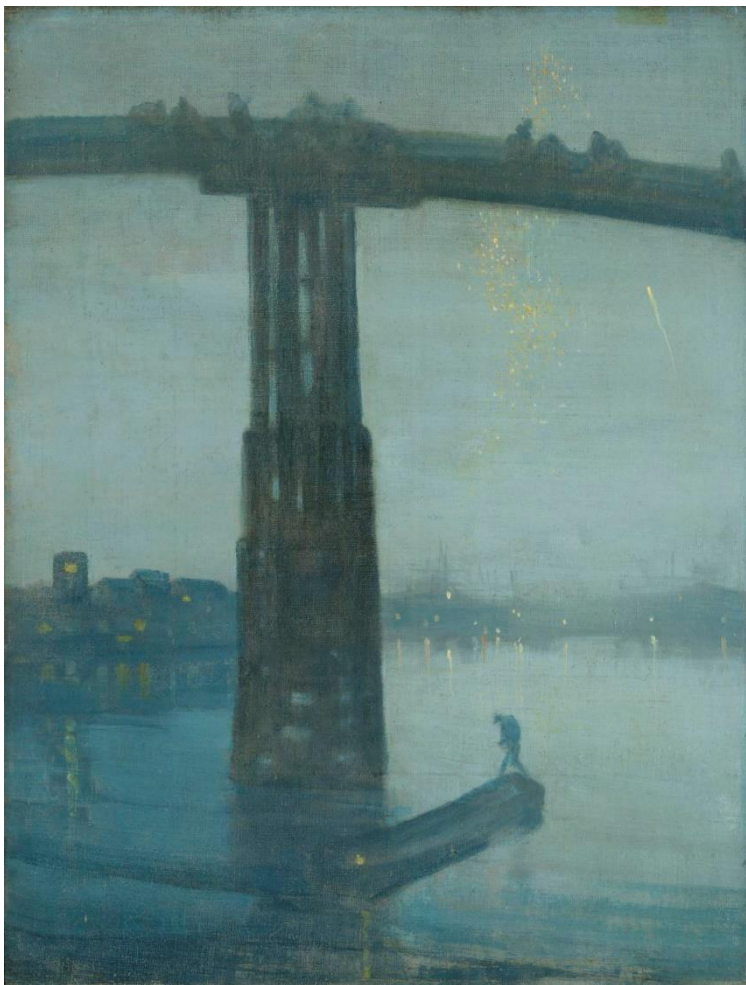
- الف - تمایل به هنر خاور دور
- ب - برانگیختن حالت روحی و احساسی
- ج - ترکیب رنگی ماهرانه
- د - تاکید بر مهارت
- ه - لذت برن از تناقضات و شوخی با هنرمندان

هماهنگی رنگی دقیق و پیچیده مهم تر از به تصویر کشیدن یک داستان یا دیدگاه اخلاقی است.

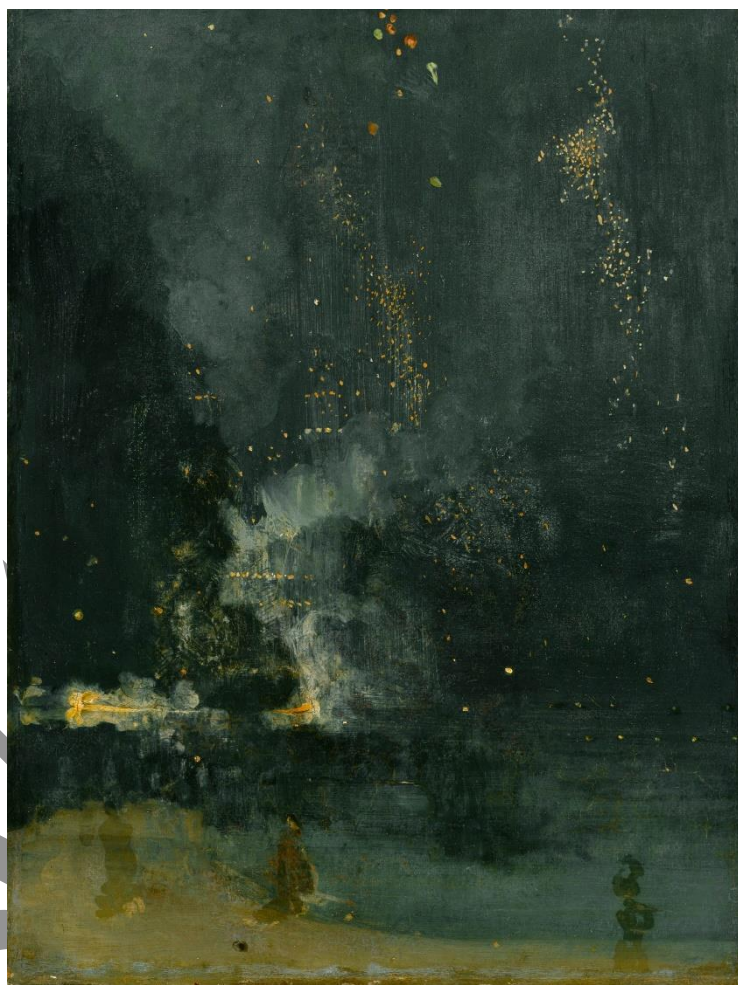
اثر هنری به عنوان یک شی هنری مهم تر از موضوع نقاشی است

بین احساسات ناشی از مضمون اثر و اصول هنری خلق اثر باید تمایز قائل شد و به هم ربط داده نشود.

زیبایی شناسی گرایان اعتراضی بود در برابر بورژوازی زمانه و تأثیری عمیق بر نگرش های هنری عصر مدرن گذاشت.



تکتورن در آبی و نقره‌ای، پل اولد باترسی ۱۸۷۲-۱۸۷۵



شبهانه سیاه و طلایی، سقوط موشک، ۱۸۷۵

( جیمز ابوت مک نیل ویستلر )

الف- موضوع و مضمون اثر، در مقام دوم اهمیت است.

ب- توجه به برتری رنگ های سیاه و طلایی در نقاشی جلب توجه می کند.

ج- هدف برانگیختن حالات روحی و احساسی بین رنگ و موسیقی( نام آثار براساس سمفونی های شوپن انتخاب شده است)

د- تصویر بیشتر یک اثر هنری قابل درک است تا مضمونی اخلاقی

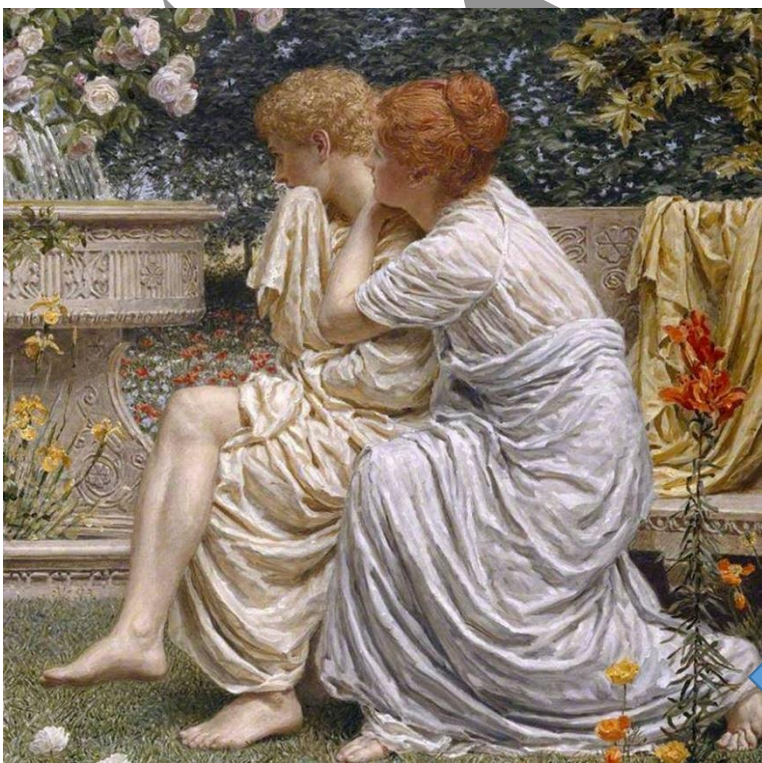
از دیگر آثار مهم در حوزه زیبایی شناسی گرایان می توان به آثار آلبرت مور اشاره کرد

ب- تاکید بر تزئینات

د- تاکید بر مهارت

الف- هماهنگی رنگی دقیق

ج- ترکیب عناصر



دختر خفته - ۱۸۷۵ - آلبرت مور

### اصول لباس های زیباگرایان

- الف- نرم و لطیف بودن (پنبه ای، مخمل یا ابریشم)
- ب- رنگ های ملایم و مات با سیری و پختگی بالا
- ج- عدم استفاده از رنگزاهای مصنوعی
- د- چین ریز و سوزنی
- ه- نقش و نگار ناتورالیستی
- و- عدم استفاده از کمرست و زیرپوش
- ز- استفاده از پارچه های لطیف و نرم
- ح- مانند لباس های یونان و رم باستان پر از چین و چروک
- ط- بکار رفتن انواع گلدوزی های سنتی
- ی- عدم استفاده از هرگونه زینت آلات ویژه و شاخص
- ک- آستین های لباس ها بسیار گشاد و آزاد
- ل- زنان با موی بلند + چهره رنگ پریده + پیشانی بلند



نظریات اسکار وایلد در خصوص لباس آقایان و بانوان

لباس از سرشانه افتاده باشد + بلندی کت تا روی کمر + کفش پاشنه بلند برای مرد صحیح نیست + کفش پاشنه بلند زنانه باید لژدار باشد (هم پاشنه و هم پنجه بالا بیاید) + لباس المان هایی از دوران باستان داشته باشد + لباس در بدن آزاد و رها باشد.

